



ایذاء و مردم‌آزاری

محمد حسین ارشدی بیدگلی^۱

چکیده

ایذاء یا اذیت و آزار دیگران که اغلب به عنوان «مردم‌آزاری» از آن یاد می‌شود، موضوعی است که در اخلاق اهمیت ویژه‌ای دارد. این اهمیت، به خصوص با توجه به تغییر و تحول در دنیای مدرن بیشتر به چشم می‌آید. فیلسوفان اخلاق - اعم از اسلامی و غربی - نیز به این موضوع پرداخته‌اند. اما از آنجا که معمولاً به صورت کلی آن را بیان کرده‌اند، بحث و بررسی دقیق‌تر آن و ارائه‌ی تعریفی مشخص از «ایذاء و مردم‌آزاری» ضروری به نظر می‌رسد.

از آنجا که، در تصور عامه، مردم‌آزاری و ایذاء بیشتر با وارد کردن صدمه و آسیب فیزیکی به دیگران مترادف شده است، ما سعی کرده‌ایم با بررسی آیات و روایات و کتب اخلاقی اسلامی و همچنین بررسی دیدگاه فیلسوفان غربی - دیوید راس و جان استوارت میل - که با مبانی فکری گوناگون - اولی وظیفه‌گرا و دومی فایده‌گرا - به این موضوع پرداخته‌اند و نیز اشاره به مصادیق آن که امروزه - به خصوص در جامعه‌ی ما - رواج یافته است، به تعریفی روشن و کاربردی دست یابیم. علاوه بر این در صدد بوده ایم که دسته بندی ای از ایذاء ارائه دهیم که همه ی انواع آن را دربرگیرد. در انتها نیز سعی شده با توجه به فرهنگ اسلامی جامعه‌ی ما، رذایل اخلاقی‌ای را که در احادیث و روایات بیان شده‌اند و با تعریف ما از «ایذاء و مردم‌آزاری» تطابق دارند، یکجا و ذیل این مفهوم جمع گردد. تعریفی که می‌گوید ایذاء، هر آن چیزی را که باعث رنجش و ناخشنودی قلبی، خشم، قهر، صدمه و به‌طور کلی، ایجاد هرگونه آلم و احساس ناخوشایند در دیگران گردد، شامل می‌شود. و بدین طریق قصد داریم تا بتوانیم از منابع نقلی و متون مقدس، بیشتر در جهت اثبات موضع خود، بهره‌مند شویم. باشد که گامی مثبت در جهت رفع این معزل اخلاقی، برداشته باشیم.

واژگان کلیدی: میل، راس، آزار و اذیت دیگران، اخلاق اسلامی، اخلاق کاربردی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق دانشگاه زنجان Arshadi62@gmail.com



مقدمه:

اغلب اوقات ما انسان‌ها به مسائلی که پیرامونمان اتفاق می‌افتد آن قدر بی‌تفاوتیم که حتی اگر معتقد باشیم بعضی از آنها اموری غیراخلاقی هستند در اثر تکرار برای ما عادی می‌شوند. و این عادی شدنِ امور غیراخلاقی به مرور، ما را هم متأثر می‌سازد و این مطلب در اثر تکرار تا بدانجا ادامه می‌یابد که ما آن را عملی درست می‌پنداریم و خود نیز به‌عنوان عملی درست یا حداقل مباح، اقدام به انجام آن می‌کنیم و اگر کسی هم به ما اعتراض کرد بدون فکر کردن به این که حق با اوست او را متهم می‌کنیم که یک عمل درست یا خنثی را غیراخلاقی می‌داند.

این در حالی است که اگر ما به‌عنوان یک انسان معتقد به دین و شریعت یا حداقل معتقد به اصول کلی اخلاقی، فقط برای چند لحظه نگاهی به اصول مورد اعتقاد خود بیندازیم و سعی کنیم نمونه‌های تجربی زندگی خود را با آن اصولی که از یک منبع مورد اطمینان اخلاقی (عقل یا وحی) به دست آورده‌ایم، مطابقت دهیم، در بسیاری از رفتارهای خود تجدید نظر کرده و به کسانی که به عملکرد ما اعتراض می‌کنند، حق خواهیم داد.

آنچه در این نوشتار مورد بحث ما خواهد بود مسئله‌ی «آزار و اذیت دیگران» از منظر دینی و اخلاقی است. نمونه‌هایی از «آزار و اذیت دیگران» که در جامعه‌ی شهرنشینی امروز وجود دارد، اغلب مواردی است که در سال‌های دورتر وجود نداشته و یا اگر هم وجود داشته، به علت شرایط زمانی و اجتماعی، دیگران را آزار نمی‌داده و تحت این مقوله قرار نمی‌گرفته است؛ نمونه‌هایی از قبیل، جار زدن بلندگوها در کوچه و خیابان به منظور خرید و تبلیغات و...، مزاحمت‌های تلفنی، پیامک‌های تبلیغاتی، سیگار کشیدن (به‌خصوص در محیط بسته) و یا اعمالی که ما در اماکن عمومی انجام می‌دهیم و مانع از استفاده‌ی دیگران از آن محیط می‌شویم مانند گفتگو در سالن مطالعه و...

این نوشتار در پی آن نیست که نمونه‌های بی‌نهایت «هردم آزاری» یا «یذاء دیگران» را برشمارد چه، احصاء این موارد، ناممکن می‌نماید. بلکه در صدد آن هستیم که تعریفی روشن از این مفهوم و مهمترین مصادیق آن را در جامعه‌ی امروز - که بعضاً مغفول مانده‌اند - بیان کنیم و البته در این راه برآنیم که تعریفی کاربردی با توجه به متون اخلاقی و مسائل روز جامعه ارائه دهیم.

مفهوم شناسی

برای تبیین صحیح هر موضوعی لازم است که ابتدا تعریفی از آن در دست داشته باشیم. ما ابتدا تعاریف و نظرات مختلف از مفهوم «آزار و اذیت» را بیان کرده و سپس سعی خواهیم کرد با تکیه بر نقاط مشترک، تعریف جامع‌تری از آنها به دست دهیم.

کلمه‌ی «آزار» در لغت به معنی اذیت، رنجگی، عذاب، دلتنگی، ملال، مشقت، تعب، ناخوشی، جراحت و آفت و... است. همچنین «آزاردن» (از ریشه‌ی پهلوی آزاریستن) به معنی رنجاندن؛ گزند، صدمه، آسیب رساندن، عذاب دادن، خرابی و ویران کردن، به خشم آوردن و ریش و افکار کردن؛ می‌باشد.^۱ لغت «ایذاء» نیز در زبان عربی به معنی «هر چیزی که به وسیله‌ی آن آزار دهند»^۱ به کار رفته است. به‌طور کلی مفهوم



«ایذاء یا آزار دادن» به هر عملی اطلاق می‌شود که موجب صدمه و جراحت، رنج، تعب، رنجیدگی، اندوه، خشم و دلگیر شدن دیگر موجودات اعم از انسان، حیوان و گیاهان، گردد.

۱- «ایذاء» در نگاه حکمای اسلامی

با تأمل در تعریفی که گذشت شاید، موارد بسیاری از «ایذاء» را بیابیم که تا کنون آنها را ذیل این مفهوم قرار نداده بوده‌ایم. در بین حکما و علمای اخلاق اسلامی تقریباً می‌توان گفت تا کنون کسی به صورت مستقل به بحث «ایذاء» یا «مردم آزاری» نپرداخته است و این مطلب احتمالاً به این دلیل است که اغلب آن را ذیل بحث «ظلم و انظلام» یا «عدل و ظلم» طرح کرده و نیازی به توضیح بیشتر آن ندیده‌اند. اما کتب اخلاقی که به صورت تلفیقی - به‌طور خاص، تلفیق اخلاق عقلی و نقلی - تألیف شده‌اند، تحت تأثیر آیات و روایات، این بحث را به صورت جدی‌تر مطرح کرده‌اند. به‌عنوان نمونه «جامع السعادات» مرحوم نراقی این بحث را تحت عنوان «ایذاء، اهانت و تحقیر»ⁱⁱⁱ مطرح کرده است. همچنین وی در بحث مذمومیت دشنام و لعن و نفرین می‌گوید «همه‌ی مسائلی که بر مفهوم مذموم بودن ایذاء و ضرر زدن دلالت دارد بر نکوهیدگی زدن، دشنام، لعن و طعن نیز دلالت دارند، چرا که اینها نیز مصادیق آن دو به شمار می‌روند». (۴) اما در این مجال، ما به مفهوم «ایذاء» در رابطه با کلیه‌ی انسان‌ها از منظر اخلاقی نظر خواهیم داشت. (و البته بحث آزار و اذیت غیر انسان اعم از حیوانات و گیاهان، مجال مجزاً می‌طلبد).

متفکران مسلمان بحث ایذاء را در دو قالب طرح کرده‌اند، بعضی مانند خواجه نصیر تحت عنوان «ظلم به معنای اعم» بدان پرداخته‌اند برخی دیگر تحت عنوان «ظلم به معنای اخص». به‌عنوان مثال مرحوم نراقی در جامع السعادات، ذیل بحث نکوهش «ظلم به معنای اخص» می‌گوید:

«گاهی ظلم در مقابل عدل به کار می‌رود که بدان جور نیز اطلاق می‌شود و آن عبارت است از عدول از حد وسط در هر امری که این همان ظلم به معنای اعم است. اما ظلم به معنای اخص، چیزی است معادل ضرر زدن و اذیت کردن دیگری که شامل قتل، ضرب، دشنام، تهمت، غیبت، اخذ مال به قهر، غارت، غضب، دزدی و... می‌باشد که باعث اذیت دیگری است. ظلم ذکر شده در آیات و روایات از این نوع است». (۵)

به عبارت دقیق‌تر، ایذاء/معادل «ظلم به معنای اخص» لحاظ شده است ولی می‌توان آن را تحت مفهوم «ظلم به معنای اعم» نیز لحاظ کرد. نراقی برای روشن شدن مفهوم مورد نظرش، معنای مقابل آن را نیز چنین بیان می‌کند:

«ضد ظلم به معنای اخص: عدل به معنای اخص است که همان بازداري از ظلم و استقامت و اقامه‌ی هر شخصی است بر حقش»

میرزا ابوطالب زنجان‌ی در «کیمیای سعادت» به نقل از ابن مسکویه، به فضایل چهارگانه‌ی حکمت، عفت، شجاعت و عدالت که هر یک مربوط به یکی از قوای نفسانی است اشاره می‌کند و می‌گوید از آنجا که در مقابل هر یک از این فضایل، ردیلتی وجود دارد می‌توان گفت که ترک یا عدم هر فضیلتی، ردیلت خواهد بود و بالعکس.



وی به فضایی که تحت عنوان «عدالت» قرار می‌گیرند اشاره می‌کند و از مواردی نام می‌برد همچون صداقت، الفت، ترک حسد، ترک معادات با مردم، ترک گفتار بیهوده و ناسزا، ترک خودکشی، ترک کارهای پست در کسب مال، نیکی به زن و فرزند و خویشان و همسایگان و ترک دروغ و خیانت. (۶) چنان‌که از این مطلب برمی‌آید، ابن مسکویه دیدی جزئی‌نگرانه‌تر به مسائل داشته است.

اما **خواجه نصیر** در کتاب «**خلاق ناصری**» پس از ارائه‌ی تقسیم سه‌گانه‌ی نفس، با تأثیر از افلاطون آن را شامل سه قوه (شهویه، غضبیه و ناطقه) می‌داند و برای هر یک از آن قوا نیز فضیلتی (عفت، شجاعت و حکمت) را در نظر می‌گیرد و معتقد است که هنگامی که این فضایل پدید آمده و با هم ترکیب شوند، از ترکیب آنها حالتی متشابه به وجود خواهد آمد به نام فضیلت **عدالت**، که جامع همه‌ی فضایل است. **خواجه نصیر** می‌گوید:

«هر فضیلتی حد وسطی است که افراط و تفریط، ردیلت‌های طرفین آن خواهد بود»
و اشاره می‌کند که حالت افراط و تفریط عدالت عبارت است از ظلم و انظلام. (۷) چنان‌که از عبارات **خواجه نصیر** برمی‌آید، وی به همین اندازه بسنده کرده و به بحث ایذاء و مردم آزاری به‌طور مستقل پرداخته و آن را ذیل «**ظلم به معنای اعم**» قرار داده است.

۲- «ایذاء» در نگاه فیلسوفان غربی

در میان فیلسوفان غربی می‌توان از دو نمونه‌ی بارز که به این موضوع پرداخته‌اند نام برد. یکی **جان استوارت میل** (۸) که فیلسوفی فایده‌گراست و دیگری **دیوید راس** (۹) که یک وظیفه‌گراست. این دو به اصل ممنوعیت آزار و اذیت دیگران توجه کرده‌اند.

جان استوارت میل، معتقد است هر انسانی باید آزاد باشد به شرط این‌که آزادی‌اش با آزادی دیگران تعارض پیدا نکند. فرد در رفتارهای شخصی خود کاملاً آزاد است ولی انسان در برابر رفتارهایی که به جامعه و دیگران مربوط می‌شود مسئول است و چنین رفتارهایی باید محدود شود. اصل فایده‌مندی (بیشترین خوشی) اقتضا می‌کند که فرد از آزادی کامل برخوردار باشد مگر آزادی در ضرر زدن به دیگران؛ همچنین جامعه و دولت نیز نباید در آزادی فرد دخالت کند مگر وقتی که یک زیان یا خطر مشخص، متوجه فرد یا جامعه باشد. اصل «**منع آسیب رساندن به دیگران**» گاه به طرز عجیبی وسعت می‌یابد به گونه‌ای که وی در رساله‌ی «**درباره آزادی**» می‌گوید: در کشوری که پدران و مادران از عهده‌ی تأمین معاش فرزندان برنمایند، وضع قانونی در مورد منع و محدودیت ازدواج مگر در مواردی که متقاضیان بتوانند ثابت کنند از عهده‌ی تشکیل و اداره‌ی خانواده برمی‌آیند فراتر از قدرت مشروع دولت نیست چرا که هدف آن بازداشتن همسران آینده از زیان رساندن به دیگران یعنی فرزندان آنهاست. (۱۰)

اما **دیوید راس** که یک وظیفه‌گرای کثرت‌گراست، از منظری دیگر به این موضوع پرداخته است. **راس** معتقد است که سه چیز ذاتاً خوب وجود دارد که عبارتند از: فضیلت، معرفت و لذت. و **هری جی گنسلر** نیز در تقریر خود، دو مورد **حیات و آزادی** را بدان می‌افزاید. بر این اساس خوبی کردن به دیگران عبارت خواهد بود از افزایش این پنج خوبی ذاتی و آسیب رساندن به دیگران یعنی باعث نقیض این خوبی‌های ذاتی شدن.



به عبارت دقیق‌تر آسیب رساندن به دیگران، یعنی باعثِ ردیلت، جهل، الم، مرگ و یا انقیاد دیگران شدن (۱۱)

به نظر نگارنده با توجه به مطالبی که پیش از این بیان کردیم می‌توان گفت آنچه که راس در رابطه با «آزار رساندن به دیگران» بیان می‌کند، مسبوق به سابقه است و به عبارتی می‌توان مضمون آن را در تعریفی که ابن مسکویه درباره‌ی «ایذاء و ظلم به معنای اخص»، بیان می‌کند یافت. با این تفاوت که راس سعی کرده است چند مفهوم کلی برای آسیب رساندن ارائه دهد که همه‌ی موارد ایذاء و آزار را شامل می‌شود ولی ابن مسکویه چنین تلاشی نکرده است و این احتمالاً بدان سبب بوده است که بیان ابن مسکویه برگرفته از آیات و روایات و متون اسلامی است و این متون بسیار زیاد موارد جزئی را مطرح کرده‌اند؛ و این امر نیز بدین علت است که شناسایی مفهومی و مصداقی ظلم و ایذاء از نظر شارع مقدس از اهمیت والایی برخوردار بوده و حتی در بعضی موارد میان معانی نزدیک نیز تفکیک قائل شده و با توجه به شرایط، آن را در زمره‌ی فضایل یا رذایل قرار داده‌اند. مانند مفهوم خوف که از رذایل اخلاقی است ولی اگر خوف از خدا باشد در زمره‌ی فضایل قرار می‌گیرد.

۳- ایذاء» از منظر آیات و روایات

از آنجا که دین اسلام براساس اخلاق بنا شده است، اهمیت مسائل اخلاقی در آن بسیار زیاد می‌باشد تا آنجا که رسول اکرم (ص) علت بعثت خود را از سوی خداوند، تتمیم و تکمیل مسائل اخلاقی می‌داند. (۱۲) از این جهت، قطعاً در دینی که کامل‌ترین دین است مسأله‌ی ایذاء و مردم‌آزاری که از مسائل مهم اخلاقی است، مورد توجه ویژه قرار گرفته و بلکه در مورد تک تک مصادیق آن، آیات و روایات بسیاری آمده است که ذکر مفصل آن در این مجال نمی‌گنجد و ما فقط به ذکر چند نمونه بسنده خواهیم کرد. خداوند در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی مبارکه‌ی «احزاب» می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُنَّ يَكُونُوا مُجْرِمِينَ»

«کسانی که مردان و زنان مسلمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند،

متحمل بهتان و گناهی آشکار شده‌اند»

همان‌طور که در متن آیه آشکار است تهمت و بهتان، مقدم بر گناه آمده است و دلیل این تقدّم اهمیت و توجه خاصّ به موضوع تهمت است که خود از مصادیق ایذاء می‌باشد. از آنجا که این آیه بعد از بیان این مطلب که ایذاء خدا و پیامبرانش از گناهان کبیره است (آیات ۵۶ و ۵۷ سوره‌ی احزاب) بیان شده است، مشخص می‌شود که ایذاء مسلمانان و به عبارتی مردم‌آزاری از اهمیت والایی در کلام وحی برخوردار بوده و مورد توجه ویژه قرار گرفته است. (۱۳)

در میان سخنان ائمه‌ی اطهار نیز به کرات و به عناوین مختلف به موضوع ایذاء و مردم‌آزاری و ظلم و رعایت حقوق دیگران اشاره شده است.

امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید:

«۱- همانا خداوند، چیزهایی را حرام کرده که ناشناخته نیست و چیزهایی را حلال کرده

که از عیب خالی است و در این میان، حرمت مسلمان را بر هر حرمت دیگری برتری



بخشید و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله‌ی اخلاص و توحید استوار کرد. ۲- پس مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او در امان باشند مگر آنجا که حق باشد و آزار مسلمان روا نیست مگر آنجا که واجب باشد» (۱۴)

و در جای دیگر ایشان می‌فرمایند:

«به خدا قسم، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر برم یا در غل و زنجیر به این سو آن و سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبر را در روز قیامت در حالی که ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال عمومی، غصب کرده باشم» (۱۵)

به نظر نگارنده دو عبارت «ستم» و «غصب/اموال عمومی» را در این بیان امیرالمؤمنین می‌توان مترادف دانست، زیرا از آنجا که «اموال عمومی» به هر چیزی اطلاق می‌شود که مالکیت آن به عموم (۱۶) تعلق داشته باشد - اعم از اشیاء و غیر اشیاء - مانند یک ملک، محیط زیست، معابر عمومی و حتی هوای آزاد و...، هر چیزی که به هر علت باعث شود، دیگران نتوانند از آن اموال استفاده کنند و یا در صورت استفاده مزاحمت و آزرده‌گی خاطری به آنها برسد، مصداقی از مردم/آزاری و عدم رعایت حقوق دیگران و ستم خواهد بود. مثلاً کسی که در محیطی سیگار می‌کشد، نسبت به همه‌ی کسانی که از هوای سالم و پاک محروم می‌شوند، مسئول خواهد بود حتی اگر در خانه‌ی خود باشد که فقط همسر او حضور دارد.

با توجه به معنایی که از مفهوم ایذاء و آزار ارائه دادیم همه‌ی آیات و روایتی که در مذمت مصادیق آن، از قبیل ضرر و آسیب، تهمت، استهزاء، رنج، خشم، دروغ و هر آن چیزی که در دیگران احساس ناخوشایندی ایجاد کند و باعث آزرده‌گی خاطر آنها شود، آمده است، بر مذمت و نکوهش آزار دیگران دلالت خواهد داشت. به عنوان مثال از امام صادق (ع) نقل شده است: «بد زبانی از مصادیق جفاء و ستم است و جفاکننده در آتش». (۱۷) ما در اینجا به همین مقدار در مفهوم ایذاء و آزار اکتفاء کرده و به مصادیق می‌پردازیم.

مصداق‌شناسی آزار

پرواضح است که بیان همه‌ی مصادیق عینی و جزئی ایذاء که از شمار خارج است امری محال خواهد بود بلکه بیان موارد کلی آن نیز بسی دشوار می‌نماید. از آنجا که ما می‌خواهیم تعریفی را که از مقوله‌ی «ایذاء و آزار دیگران» به دست آورده‌ایم بر مسائل و مشکلاتی که پیش روی جامعه‌ی کنونی ما و به طور خاص جامعه‌ی ایران قرار دارد، تطبیق دهیم، لذا از بیان کلاسیک مطلب پرهیز نموده و تقسیم‌بندی جدیدی در مورد مصادیق ایذاء و آزار، ارائه خواهیم داد؛ هرچند ادعا نداریم که تقسیم‌بندی ما شامل همه‌ی مصادیق مردم‌آزاری و ایذاء می‌شود ولی حتی المقدور سعی خواهیم کرد که موارد کلی‌تر و کاربردی‌تر را بر اساس بحران‌ها و چالش‌های اخلاقی ناشی از پیشرفت بشری در زمینه‌های مختلف و همچنین زندگی شهرنشینی و به طور کلی نحوه‌ی زندگی در جامعه‌ای که رو به سوی پیوستن به «دهکده‌ی جهانی» دارد، را بیان کنیم. بدیهی است که تعداد این موارد، بر اساس تعریفی که پیش از این ارائه دادیم، قابل افزایش خواهد بود.

بحث آزار و آسیب از نظر مکاتب مختلف و از جمله مکتب اسلام را می‌توان در دو حوزه مورد ملاحظه

قرار داد:



۱- انسان

۲- غیر انسان (شامل حیوانات و گیاهان یا محیط زیست)

همان‌طور که در ابتدای بحث‌مان هم اشاره کردیم ما به مبحث ایذاء و آزار و آسیب در رابطه با انسان متمرکز می‌شویم و در این راه بیشتر به مسائلی که در جامعه‌ی خود با آنها سر و کار داریم، توجه خواهیم کرد هر چند که بسیاری از مصادیق این موضوع حد و مرز مکانی و زمانی نمی‌شناسد و جهان‌شمول می‌نماید.

آنچه در فرهنگ اسلامی اهمیت مسئله/ایذاء و مردم/آزاری را آشکار می‌کند آیات و روایاتی است که صراحتاً و به‌طور مستقیم به عدم آزار پدر و مادر، همسر، فرزند، خویشاوندان، همسایه و دیگر انسان‌ها و احترام به حقوق همه‌ی آنها اشاره دارد. و البته آیات و روایاتی که در نكوهش برخی از رذایل اخلاقی (چنان که ذکر شد) آمده است به‌طور غیر مستقیم مؤید این موضوع خواهد بود.

۱- عدم رعایت حقوق شهروندی

همواره در همه‌ی مکاتب و منابع عقلی و نقلی برای دیگر انسان‌ها حقوقی در نظر گرفته شده است که فرد را ملزم به رعایت آن حقوق می‌سازد و عدم رعایت این حقوق، آزار و/ذیت دیگران و ظلم در حق آنها محسوب شده و فرد در مقابل چنین آزار و ظلمی مسئول و مدیون است.

حقوق شهروندی که امروزه جامعه‌ی ما با آن سر و کار دارد، موارد زیادی را شامل می‌شود از قبیل: *الف) رعایت حقوق دیگران در زندگی آپارتمان‌نشینی:* رفت و آمد در زمان نامناسب، ایجاد سر و صدا و برهم زدن آرامش ساختمان، عدم رعایت نظافت آپارتمان و...

ب) رعایت حق تقدم در نوبت: صف نان، صف بانک، نوبت دکتر و... موارد زیادی است که امروزه به دلیل ساختار شهرنشینی با آن مواجه هستیم و هر یک حقوقی را به همراه دارد که ملزم به رعایت آن هستیم. اما متأسفانه بسیاری از افراد جامعه‌ی اسلامی ما، گویا واقعاً نمی‌دانند که با عدم رعایت همین مسئله‌ای که به نظر کوچک می‌رسد، به افراد بسیاری مدیون می‌شوند و از همه مهم‌تر اینکه این دین، حق الناس است، که در اهمیت آن روایات متقن و متواتر زیادی آمده است (۱۸)

ج) عدم رعایت حقوق دیگران در استفاده از اماکن عمومی: پهن کردن بساط خرید و فروش در پیاده‌رو یا خیابان، سیگار کشیدن در اماکن عمومی حتی پیاده‌رو و خیابان به گونه‌ای که باعث آزار دیگران شود، آلوده کردن اماکن عمومی از قبیل پارک و کوه و جنگل و معابر که باعث می‌شود دیگران نتوانند از آنها بهره‌مند شوند، برگزاری جشن و عروسی و مراسمی که به عناوین مختلف باعث ایجاد ترافیک و ممانعت از عبور و مرور مردم و وسایل نقلیه‌ی امداد رسان همچون ماشین آتشنشانی و آمبولانس می‌شود که در این موارد ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری برای آحاد جامعه به دنبال داشته باشد.

۲- آزارهای الکترونیکی

با پیشرفت جوامع بشری و روی کار آمدن فن‌آوری اطلاعات، از آنجا که همیشه امکان استفاده‌ی نادرست وجود دارد، بحث‌های اخلاق نیز به حوزه‌های جدید، گسترش خواهد یافت. «آزار و اذیت یا مردم‌آزاری نیز به استفاده‌ی نادرست از فن‌آوری اطلاعات و اینترنت که امروز نقش مهمی را در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند



ارتباط پیدا می‌کند. ما برای نمونه فقط به چند نمونه از انواع شیوه‌های مردم‌آزاری و ایزد اینترنتی اشاره خواهیم داشت. (بدیهی است که نمونه‌های مردم‌آزاری اینترنتی بسیار بوده و شیوه‌های جدید آن نیز روز به روز در حال افزایش است). اما

الف) دزدی اطلاعات: امروزه شایع شده است که افراد با انگیزه‌ها و اهداف مختلف اقدام به هک کردن و سرقت اطلاعات شخصی دیگران می‌کنند. شیوه‌هایی مانند فرستادن یک ایمیل به افراد که به محض باز کردن آن دسترسی به اطلاعات ذخیره‌شده بر روی سیستم شخصی را برای شخص اقدام‌کننده به این عمل ممکن می‌سازد. همچنین طراحی سیستم‌های معتبر نظیر بانک‌ها که به وسیله‌ی آن با گمراه کردن افرادی که به دنبال سایت اصلی بانک‌ها هستند، نام کاربری و رمز عبور و شماره حساب افراد، اخذ شده و مورد سوءاستفاده‌ی مالی شخص طراحی‌کننده‌ی سایت قرار می‌گیرد و با ایجاد فروشگاه‌های اینترنتی کاذب به منظور سوءاستفاده‌ی مالی.

ب) تخریب (ترور) شخصیت افراد: این مورد که بیشتر در مورد افراد مهم و متشخص و... با هدف تحقیر و تخریب وجهی اجتماعی آنها صورت می‌گیرد اشکال گوناگونی دارد. به عنوان مثال در سایت‌های اجتماعی، شخص با «کلیک کردن» بر روی یک مطلب (که معمولاً نیز از وی خواسته می‌شود که بر روی آن کلیک کند) بدون اینکه خود متوجه شود یک مطلب ناشایست و یا عکس مستهجن را به همه‌ی کسانی که با او در ارتباط هستند می‌فرستد یا به اشتراک می‌گذارد در حالی که همه‌ی افراد دریافت‌کننده خود ویرا فرستنده‌ی آن می‌دانند و اثری از مسبب اصلی این عمل نیست.

۳- آزارهای تبلیغاتی

شامل هرگونه شیوه‌ی تبلیغاتی می‌شود که باعث آزار و اذیت دیگران و نادیده گرفتن حقوق آنها گردد.

الف) پیامک‌های تبلیغاتی: که متأسفانه امروزه به طرز عجیبی گسترش یافته و منبع درآمد خوبی برای شرکت‌های مخابراتی شده است. البته شکل عجیب آن، به نظر می‌رسد در کشورهای دیگر سابقه نداشته باشد؛ بدین صورت که هر کسی به راحتی بتواند یک امتیاز پیامک خریداری کرده و در هر ساعتی از شبانه‌روز و به هر تعدادی از افرادی که مایل بود، پیامک تبلیغاتی بفرستد و مهم‌تر اینکه خود شرکت‌های مخابراتی هم از فرستادن بی‌رویه پیامک حتی در نیمه‌شب ابائی ندارند! این امر علاوه بر اینکه موجب آزار دیگران می‌شود پیامد سوء دیگری نیز می‌تواند به همراه داشته باشد و آن این است که افراد جامعه به مرور به پیامک‌هایی که بی‌موقع (مثلاً در دل شب) برایشان فرستاده می‌شود، به گمان اینکه پیامک تبلیغاتی است، بی‌توجه می‌شوند، حال آنکه ممکن است آن پیام از سوی فردی باشد که در یک موقعیت اضطراری گرفتار آمده و از آنها تقاضای کمک کرده است. جدای از این پیامد، هیچ شرکت مخابراتی و یا سازمانی حق ندارد، بدون اجازه به مشتریان در هر موقعی از شبانه‌روز پیامک بفرستد مگر اینکه برای خود، حق و یا مالکیتی نسبت به زندگی آنها قائل باشد!

ب) تبلیغات صوتی: مانند خرید و فروش‌هایی که به همراه جار زدن با بلندگو در کوچه و خیابان‌ها انجام می‌شود، اعلام مراسم‌ها و تجمعات گوناگون از طریق بلندگو و یا حتی پخش صدای قرآن با بلندگو به مناسبت‌های مختلف - مانند فوت یک نفر - که در بعضی مناطق مرسوم است، همه‌ی این موارد باعث سلب



آسایش و آزار و اذیت دیگران می‌شود. و این در حالی است که حداقل در مواردی مانند پخش صدای قرآن، عاملان این عمل، حتی اگر بدانند موجب سلب آسایش دیگران شده‌اند، به خود حق می‌دهند که چنین عملی را انجام دهند. چرا که گوش دادن به کلام وحی را بر هر مسلمانی واجب دانسته و مخالفت با صدای بلند آن را مخالفت با کلام خدا می‌پندارند!

ج) تبلیغات پوستری یا برجسبی: این امر در شهرهای بزرگ بیشتر به چشم می‌خورد که برجسب‌ها و پوستره‌های تبلیغاتی در و دیوار شهر را پر کرده‌اند. آزار و اذیت این مورد به ویژه در جایی بیشتر به چشم می‌خورد که بر روی درب خانه‌هایی که برای رنگ‌آمیزی و زیبایی آن هزینه شده است، بدون اجازه‌ی صاحب‌خانه برجسب‌های تبلیغی مختلف نصب می‌شود.

د) بازاریابی تلفنی: متأسفانه به دلیل عدم نظارت لازم مشاهده می‌شود که عده‌ای با استفاده از بازاریابی تلفنی، اجناس نامرغوب و از رده خارج خود را با تبلیغات و تعریف‌های دروغین (همچون ضمانتنامه، نظارت نهادهای دولتی بر فروش آن محصول و...) به فروش می‌رسانند و اسباب آزار و آسیب روحی مالی را فراهم می‌آورند و البته بحث حرام یا حلال بودن این‌گونه کسب درآمد در میان مبحث اخلاقی و متون دینی، به وضوح بیان شده است.

۴- آزارهای تفریحی:

به طور کلی، هر نوع شوخی یا تفریح و سرگرمی که باعث رنجش و آزار و اذیت دیگران شود، در این گروه قرار خواهد گرفت. مانند بازی در کوچه و خیابان، اسکیت، فوتبال ترقه‌بازی و... آزار و اذیت‌هایی از این دست، متأسفانه امروزه و به‌خصوص در چند سال اخیر در میان قشر نوجوان و جوان رواج یافته است. ترقه‌بازی و بمب‌های دست‌ساز که در مناسبت‌های مختلف اعم از عروسی و اعیاد ملی و مذهبی به بهانه‌ی سرگرمی و بازی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در اغلب قریب به اتفاق موارد، باعث ایجاد ترس، رعب و وحشت دیگران می‌شوند. در بعضی موارد هم، هدف آن تغییر یافته و همین ایجاد رعب و وحشت در دیگران، برای عده‌ای، سرگرمی و تفریح به حساب می‌آید. این‌گونه ترس و وحشت‌های شدید و ناگهانی برای برخی از اقشار جامعه مانند کهن‌سالان و بیماران می‌تواند خطر مرگ را به دنبال داشته باشد.

۵- آزارهای عمومی

این قسم را به این دلیل، عمومی نام‌گذاری کردیم که اولاً، تقریباً شامل همه‌ی آن رذایل اخلاقی که متون عقلی و نقلی کلاسیک بدان پرداخته‌اند می‌شود. مواردی از قبیل دروغ، تهمت و افتراء، ناسزاگویی، غیبت، استهزاء و تخریب شخصیت، خیانت، خبرچینی، ایجاد ترس و اندوه، احتکار، غضب، شهوت‌رانی و به طور کلی هر اخلاق مذمومی که به آزار و اذیت روحی و جسمی دیگران منجر شود، در زمره‌ی این نوع آزار قرار می‌گیرد. بدیهی است که آنچه در مکاتب مختلف و به خصوص در فرهنگ اسلامی در مورد عدم آزار پدر و مادر، همسایه، همسر و... آمده است نیز ذیل این مبحث جای خواهد داشت. ثانیاً، نگارنده به فراگیر بودن بعضی از این رذایل اخلاقی در جامعه‌ی کنونی ایران و حتی پسندیده بودن بعضی از آنها توجه داشته است. چرا که برخی از این موارد به‌گونه‌ای در ذهن‌ها و رفتارها رسوخ کرده است که به ذهن عامل این عمل خطور هم نمی‌کند که عمل وی یک رذیلت اخلاقی محسوب می‌شود نه فضیلت! مانند مواقعی که ما در



مورد گروه و یا قومیتی لطیفه‌ای می‌گوییم، رفتارهای فرد خاصی را به سخره می‌گیرم، از کسی که خوشمان نمی‌آید، بدگویی می‌کنیم، نقطه ضعف کسی را بزرگ جلوه می‌دهیم و... .

مکاتب مختلف اخلاقی، هر یک براساس اصول خود به مذمت و نکوهش چنین آزارهایی پرداخته‌اند و در مکتب اسلام نیز، در رابطه با هر یک از موارد مذکور، آیات و روایات مجزایی بیان شده است؛ چرا که هر یک از موارد مذکور از دیدگاه اسلام، حکم و آثار شرعی و حقوقی خاص خود را دارد. (۱۹) به عنوان مثال، برخلاف تصوّر غلطی که زن را کنیز مرد می‌داند، اسلام برای زن، ارزش ویژه‌ای قائل شده و دستور داده است که همسران از آزار و اذیت و فحاشی و بدزبانی به یکدیگر بپرهیزند. و پیامبر اسلام (ص) در این خصوص می‌فرماید:

«خدا و رسول، از مردی که زنش را بیازارد، بیزارند» و همچنین فرمودند: «ملعون است زنی که شوهرش را اذیت کرده و او را غمگین سازد».

همچنین خداوند در قرآن، در آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی نساء، در مورد حقوق همسایه می‌فرماید:

«خدای یکتا را پرستید و هیچ چیز را شریک او نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه‌ی خویشاوند و همسایه‌ی بیگانه و... نیکی و مهربانی کنید». (۲۰)

همچنین از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، همسایه‌اش را اذیت نمی‌کند» (۲۱)

آنچه در مورد رعایت حقوق و عدم آزار همسایه در اینجا ذکر کردیم، اهمیت و توجه اسلام به این موضوع را نشان می‌دهد که این امر در جامعه‌ی شهرنشینی امروز، بیشتر ضروری می‌نماید و البته می‌توان آن را ذیل مبحث «عدم رعایت حقوق شهروندی» نیز قرار داد.



نتیجه

آنچه که تا اینجا از آیات و روایات گوناگون و نظرات متفکرین اخلاقی بیان شد، در یک نگاه کلی مسئله را برای ما این گونه روشن می‌سازد که منظور از «آزار و اذیت دیگران» یا «مردم‌آزاری» که در این اقوال بدان اشاره شده است، صرفاً آزار و آسیب فیزیکی - چنان که در تصور عامه چنین است - نیست؛ بلکه **ایذاء و آزار دیگران، شامل هر آن چیزی می‌شود که باعث رنجش و ناخشنودی قلبی، خشم، قهر، صدمه و به‌طور کلی، ایجاد هرگونه آلم و احساس ناخوشایند در دیگران گردد.** براساس چنین تعریفی است که راس، می‌تواند مفهومی مانند جهل را، ذیل عنوان «آسیب رساندن به دیگران» بگنجاند، چرا که هر گاه ما باعث جهل دیگران شویم، - مثلاً مطلبی را که به او مربوط می‌شود از او پنهان کنیم یا به او «دروغ» بگوییم، یا از عدم علم او در جایی که حضور ندارد سوء استفاده کرده و از او «غیبت» کنیم - وی پس از رفع جهلش و اطلاع از آن موضوع، از ما رنجیده‌خاطر خواهد شد. (و البته چنان که، ناراحت نشد، موضوع از بحث ما خارج خواهد بود).

از همین تعریف و مثال می‌توان دریافت که، در موارد عینی، مسائل زیادی وجود دارد که ذیل این مبحث قرار می‌گیرد چنانچه در مثال فوق، دروغ و پنهان‌کاری (کتمان حقیقت) و غیبت ذیل عنوان «آزار دیگران» قرار گرفته است. از این موضع است که می‌توان موارد دیگری از قبیل خشونت و بداخلاقی، تهمت و افتراء، عدم رعایت حق تقدم، شرک، دزدی، دشنام و استهزاء، ایجاد ترس و وحشت، ایجاد آلودگی صوتی، مزاحمت‌های تلفنی و اینترنتی از قبیل پیامک‌های تبلیغاتی و ویروس‌های کامپیوتری و مواردی از این دست را، ذیل مفهوم «ایذاء و آزار» ذکر کرد و احکام شرعی و اخلاقی مربوط به ایذاء و آزار دیگران را به آنها تعمیم داد.

همچنین از آنچه گذشت می‌توان دریافت که در آموزه‌های اخلاق اسلامی، علاوه بر بیان یک اصل کلی



در ممنوعیت ایذاء و آزار دیگران (قاعده‌ی لاضرر و لاضرار)، به موضوعاتی که ذیل عنوان آن قرار می‌گیرند نیز به طور مجزاً مفصل و پرداخته شده است.

بنابراین کسی که با سرعت رانندگی می‌کند یا بی‌جهت در خیابان بوق می‌زند، و کسی که نوبت را رعایت نمی‌کند و یا سکوت راه، در جایی که سکوت الزامی است - مانند سالن مطالعه و بیمارستان - می‌شکند و...، چنین افرادی، نه به این دلیل که از نظر قانون عمل آنها، تخلف محسوب می‌شود یا نه، بلکه بدین علت که اعمال آنها باعث ترس و خشم و به وجود آمدن احساس‌های ناخوشایند دیگر در انسان‌های دیگر شده است، از نظر اخلاق عقلی و نقلی، متهم به آزار و اذیت دیگران هستند. به علاوه این امر که، آزار و اذیت دیگران در تعالیم اسلامی، حق الناسی را بر گردن آزار دهنده می‌گذارد، و حق الناس حتی از حق الله نیز بالاتر است و بخشیده نمی‌شود مگر به سبب حلالیت و جلب رضایت قلبی از کسی که مورد آزار قرار گرفته است، اهمیت این مسئله را دو چندان می‌سازد.

پس بنابر آنچه که از نظر منابع فلسفی و نقلی ذکر شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که، آزار و اذیت بی‌دلیل دیگران (و البته با هر دلیل احساسی و سلیقه‌ای) تحت هیچ شرایط و در هیچ جا و به وسیله‌ی هیچ شخصی مجاز دانسته نشده است، جز در مواردی که شخص به سبب عمل خطای خودش، خود را مستحق کیفر می‌سازد که البته کیفر نیز باید متناسب با جرم وی باشد چنان که مولای متقیان در مورد قاتل خویش فرمود که او را ببخشند و اگر خواستند که قصاص کنند فقط به او یک ضربت بزنند چرا که او فقط یک ضربت زده است.

در بعضی موارد اتفاق می‌افتد که ما عملی را درست می‌دانیم و اخلاقاً نیز عمل ما مشکلی ندارد (پسندیده و یا خنثی است) اما با این وجود، عمل ما، مصداقی از /یناء و /زار است و این بدان علت است که ما عواقب و پیامدهای عمل خود را در نظر نمی‌گیریم و ممکن است پیامدهای ناشی از عمل ما موجبات مردم‌آزاری را فراهم آورند؛ به عنوان مثال عملی مانند نماز خواندن (که خوب و پسندیده است) و اعمالی چون خندیدن، پارک ماشین، موتورسواری و گذاشتن زباله جلوی درب خانه (که اعمالی خنثی یا مباح هستند)، اگر موجب آزار دیگران ایجاد هرگونه احساس ناخوشایند در دیگران شوند، اخلاقاً و شرعاً نادرست و مذموم خواهند بود مانند نماز خواندن در یک پیاده‌روی پررفت و آمد، صحبت کردن در سالن مطالعه، خندیدن در مقابل کسی که تازه داغدار شده است، پارک کردن ماشین در مقابل درب خانه‌ی دیگران به گونه‌ای که ایجاد مزاحمت کرده و جلوی رفت و آمد او را بگیرد موتورسواری در پیاده رو و گذاشتن زباله جلوی درب خانه به گونه‌ای که کوچه را کثیف کند و بوی آن دیگران را بیازارد و یا پخش صدای قرآن و روضه و... و اطلاع‌رسانی از طریق بلندگوها و چرخیدن در خیابان. در مواردی چون این مورد آخر، می‌توان گفت، کسانی که به چنین اعمالی دست می‌زنند فقط در صورتی خواهند توانست عمل خود را توجیه کنند که معتقد باشند «هدف وسیله را توجیه می‌کند» ولی این در حالی است که از نظر بسیاری از متفکرین و فیلسوفان اخلاق و به‌ویژه در مکتب اسلام، چنین قاعده‌ای به وضوح مردود است.



پی‌نوشت‌ها:

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپخانه‌ی مجلس، ۱۳۲۵: ذیل واژه‌ی «آزار» و «آزاردن».
۲. ابن منظور، لسان‌العرب، نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ذیل واژه‌ی «ایذاء».
۳. نراقی، محمد مهدی، جامع‌السعادات، ترجمه‌ی سید جلال‌الدین مجتبوی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۸۵.
۴. همان، ج ۱، ص ۳۸۱.
۵. همان، ج ۲، صص ۱۹۲ - ۱۹۱.
۶. مسکویه، احمد بن محمد، کیمیای سعادت: ترجمه‌ی طهارة الاعراق ابو علی مسکویه‌ی رازی، ترجمه‌ی میرزا ابوطالب زنجانی، نشر نقطه، دفتر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۵، صص ۴۹ - ۴۱.
۷. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، انتشارات علمی‌ی تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۲۰ - ۱۱۷.
- D.Ross. هپه
- 9.J. S. Mill .
۱۰. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات سروش؛ علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲، ج ۸، صص ۵۹ - ۵۲.
۱۱. گنسلر، هری. جی، درآمدی جدید به فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه‌ی حمیده بحرینی، نشر آسمان خیال، تهران، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۸۸ - ۲۸۱.
۱۲. متن حدیث: إِنِّی بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَکَارِمَ الْاِخْلَاقِ. میزان‌الحکمه، ری شهری، جلد ۳، ص ۱۴۹.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۴۳۲.
۱۴. علی (ع)، نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، انتشارات زهد، تهران، ۱۳۸۶، خطبه‌ی ۳ / ۱۶۷.
۱۵. همان، خطه‌ی ۳ / ۲۲۴.
۱۶. به نظر نگارنده، با توجه به آیات و روایات دیگر، می‌توان کلمه‌ی «عمومی» را به چیزی نسبت داد که مربوط به بیش از یک نفر باشد. به عبارت دیگر یعنی، حتی موضوعاتی را که ما در آن با یک نفر دیگر سهیم هستیم - مانند محیط منزل و محیط‌های خصوصی دیگر - می‌توان مصداقِ حداقلیِ اموال عمومی به حساب آورد..
۱۷. متن حدیث: البذاء من الجفاء فی النار، جامع‌السعادات، ج ۱، ص ۳۸۳.
۱۸. حدیث در مورد حق الناس.....
۱۹. مهدوی کنی، محمدرضا، نطفه‌های آغاز در اخلاق اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۹.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸، ج ۴۳، ص ۶۲.
۲۱. همان، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.



۲۲. شمس‌الدین، سید مهدی، اخلاق اسلامی در برخورد های اجتماعی، انتشارات شفق، قم، ۱۳۶۹، ص ۵۵.

۲۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۲.

منابع

- علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، انتشارات زهد، تهران، ۱۳۸۶.
- ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب‌جوزه، ۱۳۶۳.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپخانه‌ی مجلس، ۱۳۲۵.
- شمس‌الدین، سید مهدی، اخلاق اسلامی در برخورد های اجتماعی، انتشارات شفق، قم، ۱۳۶۹.
- کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات سروش؛ علمی فرهنگی، تهران.
- گنسلر، هری. جی، در آمدی جدید به فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه‌ی حمیده بحرینی، نشر آسمان خیال، تهران، زمستان.
- مجلسی، محمد باقر، بحارنوار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸.
- مسکویه، احمد بن محمد، کیمیای سعادت: ترجمه‌ی طهارة الاعراق ابو علی مسکویه‌ی رازی، ترجمه‌ی میرزا ابوطالب زنجانی، نشر نقطه، دفتر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۵.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸.
- مهدوی کنی، محمد رضا، نطفه‌های آغاز در اخلاق عملی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
- نراقی، محمد مهدی، جامع‌السعادات، ترجمه‌ی سید جلال‌الدین مجتبوی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۹.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، انتشارات علمی‌ی تهران، ۱۳۶۰.



i- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپخانه‌ی مجلس، ۱۳۲۵: ذیل واژه‌ی «آزار» و «آزاردن».

ii- ابن منظور، لسان‌العرب، نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ذیل واژه‌ی «ایذاء».

iii- ابن منظور، لسان‌العرب، نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ذیل واژه‌ی «ایذاء».

